

مراسم عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام

در حماسه های مالایی های اندونزی

عبدالهادی ویجی مٹاری *

ترجمه: سید محمد جعفر نوری *

مقدمه مترجم:

اندونزی بزرگترین جمعیت مسلمان دنیا را داراست؛ از نظر نژادی کشوری پر تنوع بوده و مردم آن به بیش از ۳۰۰ زبان محلی صحبت می کنند؛ این کشور متشکل از ۱۷۵۰۸ جزیره است؛ جمعیت آن بیش از ۲۳۵ میلیون نفر است؛ پایتخت آن جاکارتا نام دارد و با گینه نو، تیمور شرقی و مالزی مرز زمینی دارد.

اکثر مردم اندونزی پیرو دین اسلام هستند و مذهب آن ها شافعی است. ترکیب دینی مردم اندونزی را مسلمانان (۸۵/۱) درصد، مسیحیان (۱۲/۷) درصد، هندوها (۱/۸) درصد، بوداییان (۰/۴) درصد تشکیل می دهد.^۳

اسلام از طریق (بنده آچه) در شمال اندونزی وارد این کشور شد. اسلامی که به آن ها عرضه شد، اسلام شیعی بود که توسط مسلمانان عرب و ایرانیان به آن جا رسید. هنوز هم می توان آثار بزرگان

*. استاد دانشگاه اسلامی پارامادینا، جاکارتا، اندونزی. چینی الاصل، عنوان اصلی به زبان انگلیسی:

IN MALAY-INDONESIAN'S EPICS OF IMAM HUSSEIN ASHURA AND THE MARTYRDOM

*. کارشناسی ارشد ادیان و مذاهب، جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رضی الله عنه، قم.

^۳. آمار رسمی اندونزی در سال ۲۰۱۰.

شیعی را در جای جای آچه و در کل اندونزی مشاهده کرد. رسم الخط قبلی این کشور عربی بوده است و بسیاری از اسامی ایرانی و اسلامی را می‌توان در آن مشاهده کرد.

قیام امام حسین علیه السلام و شهادت مظلومانه‌ی ایشان در کربلا تاثیر شگرفی بر این مناطق گذاشته است. البته در سیر انتقال مراسم و عادات به این مناطق، تفاوت برخی رفتارها را می‌توان مشاهده کرد و حتی می‌توان بومی سازی بسیاری آن‌ها را دید.

نقش قابل توجه حماسه‌های عاشورایی در این کشور در مبارزه با استعمارگران پرتغالی و هلندی به هیچ وجه فراموش شدنی نیست. پرورش روحیه شهادت طلبی، ظلم ستیزی و بیزاری از ظالمان که در خاندان بنی‌امیه متجسد می‌شد از نتایج این حماسه‌ها بود.

مراسم عزاداری در شهرهای مختلف کشور اندونزی برگزار می‌شود، از جمله: شهرهای نیکولو، پیدی (در سوماترا) گرسیک، پاری آمان، بانووانگی در جزیره جاوه و آچه در شمال اندونزی. آن‌ها معتقدند اگر کسی به این مراسم بی‌توجهی کند، دچار مشکلات زیادی خواهد شد. در این دهه، ازدواج و کارهای اساسی انجام نمی‌شود و حتی کشاورزان به کاشت و داشت زمین‌ها نمی‌پردازند. اوج مراسم مربوط به روز دهم محرم است که مردم حزن و اندوه خود را به شیوه‌های گوناگون نشان می‌دهند. این قطعه شعر در آن‌جا بسیار خوانده می‌شود: »

«... در متون آن‌ها نحوه‌ی شهادت امام حسن و حسین علیه السلام بیان شده است که ماحصل آن این گونه است: حسین شهید در کربلا به شهادت رسید و امام حسن در خانه‌اش مسموم شد.

در مجالس مختلفی که به نام امام حسین علیه السلام برگزار می‌شود، از مردم می‌خواهند که قصایدی در مدح امام حسین و برادر بزرگوارشان سروده شود. حکایات مختلفی که از واقعه‌ی عاشورا بر جای مانده است، در این مجالس خوانده می‌شود و بعد از آن غذا بین مردم تقسیم می‌گردد.

ماه محرم در نقاط مختلف اندونزی با نام‌های متفاوتی خوانده می‌شود؛ برای نمونه، مردم جاوا این ماه را به نام «ماه سورا»^۱ و در غرب سوماترا «ماه تابوئیک» و در آچه به آن «بولان حسن و حسین» (بولان سا اوسین) یعنی ماه حسن و حسین می‌گویند.

مردم اندونزی مراسم دیگری به نام «تابوت» در شهر «پیدی»، در آستان «آچه» برگزار می‌کنند. مردم محلی به همراه مردم جنوب هند (مهاجرین)، تابوتی را که سمبل تابوت امام حسین علیه السلام است، تمام روز بر روی دوش می‌گیرند و هنگام غروب به دریا می‌سپارند.

^۱. به علت سختی تلفظ، شین را به سین تبدیل می‌کنند.

در دهه‌ی اول ماه محرم، مردم جاوه و سوماترا غذا آماده می‌کنند تا بین مردم، اعضای خانواده و دوستان به اسم حضرت امام حسن و امام حسین (ع) توزیع نمایند.

برگزاری مراسم در اندونزی محدود به شیعیان نیست و به مانند بسیاری از کشورهای اسلامی اهل سنت نیز در آن شرکت می‌کنند. در ماه محرم یاد امام دوم و سوم شیعیان (ع) را گرامی می‌دارند. نکته‌ی دیگر، این که برگزاری مراسم عاشورا منحصر به مساجد و اماکن دینی نیست بلکه در اماکن غیردینی نیز که، معمولاً، محل اجرای کنسرت‌ها است برگزار می‌شود و در آن به رقص مخصوصی می‌پردازند. دست‌ها را مانند حرکاتی که در هنگام سینه زدن انجام می‌شود، به سینه می‌کوبند و گاهی نیز در مورد کربلا صحبت می‌کنند.

توجه به آموزه‌های دینی و شیعی در اندونزی در حال گسترش است و بسیاری از ناشران این کشور اقدام به انتشار کتاب‌هایی درباره‌ی امام حسین (ع) کرده‌اند. طلاب کشور اندونزی که اکنون در ایران به سر می‌برند، نقش به سزایی در گسترش تشیع ایفا می‌کنند. آنچه در زیر می‌آید ترجمه‌ی مقاله‌ی پروفسور عبدالهادی ویجی مزاری است که در مورد حماسه‌های مربوط به عاشورا می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: امام حسین (ع)، حماسه عاشورا، اندونزی، استعمار، کیسانیه

در این مقاله مراسم عاشورا و شهادت امام حسین (ع) در حماسه‌های مالایی‌های اندونزی و تاثیر ادبیات اسلامی فارسی بر نگارش آن‌ها بررسی می‌شود و تاکید آن بر حماسه‌ی امام حسین (ع) در واقعه‌ی کربلا می‌باشد. تلاش خواهیم کرد که توضیح دهم چگونه این حماسه‌ها مورد احترام مردم قرار گرفته، نقش مهمی در انتشار اسلام و فرهنگ آن در مجمع الجزایر اندونزی و تقویت روحیه‌ی مبارزه با استعمار در کل کشور داشته است.

در آن‌جا سه حماسه‌ی اسلامی و فارسی وجود دارد که در زمانی بسیار نزدیک بر جامعه‌ی مسلمانان مالایی-اندونزی عرضه شد.

حکایات^۱، قصه‌ی «امیرحمزه» در کتاب «امیر حمزه»، حکایات «اسکندر ذوالقرنین» در کتاب حکایت نظامی گنجوی، «اسکندر نامه»، و حکایات «محمدعلی حنفیه» در متونی که به همان اسم نامیده شده و به داستان امام حسن و حسین (ع) مرتبط می‌شود.

قسمتی از آن‌ها اسطوره‌ای و خیالی است اما بخشی به شکل نمایش‌نامه‌ی تاریخی می‌باشد. شرح و وصف قصه‌ی این دو امام از قسمت‌های تاریخی آن به شمار می‌رود ولی قصه‌ی محمدعلی حنفیه

^۱. هم اکنون نسخه‌ی کاملی از این حکایات وجود ندارد و به صورت پراکنده در متون مختلف جای گرفته است.

که انتقام برادرانش، امام حسن و حسین علیهما السلام، را می‌گیرد و سپاه یزید را شکست می‌دهد، هیچ واقعیتی ندارد. این حماسه‌های مالایی مجمع الجزایر اندونزی بسیار معروف هستند و از ۱۵ قرن پیش به عنوان ادبیات مردمی، در میان آن‌ها جای داشته است. در ادبیات مالایی - اندونزی دو اثر قدیمی و بسیار مشهور وجود داشت که جایگاه ویژه‌ای در میان مردم داشت.

نسخه‌ی اول، حکایات امام حسین علیه السلام

نسخه‌ی اول مربوط به «حکایات امام حسین علیه السلام» و قسمت دوم مربوط به حکایات «محمدعلی حنفیه» است. در حالی که نسخه‌ی دوم از جایگاه مردمی بیش‌تری در ادبیات جاوا، مادورا، مالایو، برخوردار بود و نسخه‌ی اول در میان مردم (آچه) ارزش بیش‌تری داشت. در قرن ۱۷م، نسخه‌ی اول آن متن در آچه با عنوان حکایت‌های «سیدنا حسین» نوشته شده بود. البته در این متن، مقاطعی از درگیری بین محمدعلی حنفیه و یزید حذف نشده بود. (زیرا بعدها آن مقاطع حذف شدند).^۱

نسخه‌ی دوم، حکایات محمد حنفیه

در مناطق دیگر مانند غرب جاوه، ادبیات سوندایی وجود دارد و در جزیره‌ی مادورا، ادبیات مادوری. حماسه‌ها به همین منوال شکل گرفت و در آن‌ها بر قساوت و شرارت یزید تأکید شده بود. نسخه‌های سوندی عبارت بود از «چاره‌تانا یزید چالاکا» که به معنای قصه یزید است، مربوط به منطقه‌ی مادورا عبارت بود از «چاره‌تانا یزید چالاکا» که به معنی قصه‌ی یزید ملعون مشهور بود. نسخه‌ی «کابا محمدعلی حنفیه» از نمونه‌های مردمی ادبیات «مینانکاباو» به شمار می‌رفت که همانند «کاباها» و داستان‌های دیگر بود. در گذشته، خواندن حماسه‌ها بیش‌تر به صورت مجالسی دایره شکل، به ویژه، در روز عاشورا به صورت ویژه برگزار می‌شد. یکی از آثار مشهور ادبیات جاوه‌ای «صراط علی انگاپیا» حنفیه" متنی یزید» به معنای علی انگاپیا یزید را کشت، می‌باشد. انگیزه‌های برگزاری حماسه خوانی مختلف، تابع فرهنگ‌هایی بود که حماسه‌ها از طریق زبان آن‌ها منتقل شده بود. داستان محمدبن علی حنفیه برگرفته از اسطوره‌ای متعلق به پیروان کیسانیه است. آنان معتقدند که امامت یا رهبری الهی بعد از محمدبن علی حنفیه به پایان رسیده است.

۱. در این حکایت آمده است که معاویه کافر است. بعد از بیرون راندن شیعیان از آچه و استیلای مخالفان بر این شهر، حکام اقدام به تعدیلاتی در این حکایت نمودند و کافر بودن معاویه را از این حکایت حذف کردند. اما این کار آن‌ها بسیار دیر صورت گرفته بود چرا که کافر بودن معاویه در جای جای اذهان مردم نقش بسته بود و آن‌ها به کفر معاویه باور داشتند.

شاید این مسأله به دست بسیاری از مسلمانانی که در طول حمله‌ی مغول، در اواخر قرن ۱۳ و ابتدای قرن ۱۴، به سمت هند و مجمع الجزایر مالایو مهاجرت کرده یا به عنوان پناه‌جو فرار کردند، بوده باشد و بیشتر مهاجرین از طوایف مختلف شیعی مانند کیسانیه و زیدیه بودند. در حقیقت این حماسه‌ها به جنگی که مختار، رهبر کیسانیه، آن را علیه یزید رهبری کرد، باز می‌گردد که هدف آن انتقام از قاتلان امام حسین (علیه السلام) بود. در این جنگ ابراهیم اشتر، رهبر کیسانیه را یاری کرد تا محمدبن علی حنفیه جانشین امام حسین (علیه السلام) شود.

در ابتدا این اسطوره‌ای بیش نبود اما بعد از آن، تبدیل به یک قصه تاریخی شد. ما انگیزه‌ها و اهدافی را که در ورای نگاشتن کتاب‌های حماسی که مرتبط با طرز تفکر و فرهنگ بود، در یافتیم.

برای فهم آن می‌بایست به جوانب بارزی که آثار مالایو را از متون فارسی زبان که منبع تمام حکایات است و آن را از دیگر آثار متمایز می‌سازد، توجه کرد.

اختلافات موجود در نسخ

اول: ویژگی منحصر به فردی در میان داستان‌های حماسی که برای امام حسین (علیه السلام) نوشته شده است، وجود دارد. این نوع از داستان‌ها را «مقتل» می‌نامند که عبارت است از توصیف چگونگی شهادت امام علی، امام حسن و امام حسین (علیهم السلام).

بر این اساس عناصر اصلی داستان‌های حماسی، رثا و هم دردی است و با وجود این که میزان هم دردی کاهش یافته است اما می‌بینیم که نوشته‌های مالایی حاوی موارد بسیار خوبی از رثای آن‌ها می‌باشد.

در واقع در آثار مالایی جزئیات بسیاری را می‌توان در مورد نحوه‌ی شهادت امام حسین (علیه السلام) و اندوه خانواده ایشان یافت.

دوم: از بین آثار منطقه‌ی جاوا، «علی انگاپیا متنی یزید» دارای ویژگی قابل توجهی است. در آن‌جا ماجراهای بسیاری تکرار شده است. مانند ملاقات و وداع شخصیت‌ها که در دنباله‌ی داستان «کریتابانجی» به آن‌ها پرداخته شده است.

سوم: می‌توانیم به شخصیت‌های «پوناکاوان» در حماسه‌ها اشاره کرد که عبارت‌اند از خدمتکاران بزرگ‌ترین شخصیت داستان. مانند: شخصیت‌های «پوناکاوان» در «چریتا بانجی»، «مهاباراتای» جاوهای و «سراط مناک». مورد اخیر از آثار جاوهای حکایات امیر حمزه است.

شخصیت‌های این حماسه‌ها، به دقت، به دو مجموعه‌ی متمایز تقسیم شده‌اند که جمع بین آن‌ها به سادگی امکان پذیر نیست. هم چنان که در نزاع «پانداوا» و «کوراوا» در «ماهاباراتا» مشاهده می‌کنیم.

چهارم: در پایان آثار زبان مالایو می‌بینیم که معنای مبهمی از لاهوت کیسانیه ارائه می‌شود.

در ابتدا می‌بینیم که آن‌ها به دینی که امامت در آن به دست محمدعلی حنفیه پایان می‌پذیرد، گردن می‌نهند اما بعد از آن، توان گسترش دادن دیدگاه‌های خود را در میان اهل سنت ندارند. آنان در صدد بیان این مطلب بودند که محمدبن علی حنفیه ولایت فرزند امام حسین (علیه السلام) - امام سجاد - را پذیرفت تا جانشین بعد از او باشد.

پنجم: در حماسه‌های مالایو، مجموعه‌ای از متون مختلف مانند: حکایت‌های «کجادیان نور محمد»، «حسن دان حسین» و «حکایات محمدعلی حنفیه» را مشاهده می‌کنیم. از ابتدای نبوت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) تا جنگ محمد حنفیه علیه یزیدبن معاویه، اساطیر با حوادث تاریخی آمیخته می‌شود.

ششم: آثار مالایو در وصف اهمیت اهل‌بیت به طور کامل با متن فارسی مطابقت نمی‌کند و داستان‌های اضافی بسیاری در نوشته‌های مالایو وجود دارد. هم چنین در آن می‌توان به تحریف و تعدیلاتی در دایره‌ی متن و معنی در چگونگی وصف حماسه‌ها اشاره کرد. درباره‌ی بسیاری از حماسه‌ها در اندونزی، بیان تأثیرشان بر شکوفایی ادبیات این مجمع‌الجزایر و روشن‌گری بیش‌تر، طرح چند سؤال مناسب است.

ارتباط و اهمیت حماسه‌ها بر مردم اندونزی چیست؟ این حماسه‌ها چه نصایح و ارشادات اخلاقی داشته که توانسته است تأثیرات بزرگ و عمیقی بر خوانندگان آن در دوره‌ی شکوفایی اسلام بگذارد؟ وظیفه یا کارکرد ادب در باورهای فکری و فرهنگی اسلام همانا معرفی چهره‌ای مؤثر از چارچوب‌های تعالیم آن مثل: توحید، فضائل و اخلاق، امر به معروف و نهی از منکر، ایمان به خدا در تمام امور زندگی، به خصوص، امور اجتماعی، فرهنگی، فکری و اخلاقی می‌باشد. علاوه بر آن، شرحی است بر آموزه‌های دینی، جامعه، تاریخ، تجربه‌های اشخاص و تخصص‌های دیگران که تجربه‌هایی روحانی و الهی است که می‌توان آن‌ها را با جملاتی که توانایی ورود به قلب‌ها و احساسات خوانندگان دارد، بیان کرد.

در ادبیات اسلامی، حماسه‌ها دارای اهمیت خاصی از جهت ارتباط آن با تجربه‌های تاریخی مسلمانان و مخصوصاً تجربه‌های آن‌ها برای حفظ تعالیم دین‌شان می‌باشد. گفتنی است که حوادث در تاریخ، یک عقل گروهی را می‌سازد؛ زیرا دارای آموزه‌هایی می‌باشد و آن‌ها می‌توانند به عنوان وسایل ارتباط جمعی خوبی برای سازندگی و هم بستگی اجتماعی عمل نمایند. اضافه بر این باید گفت که نقش اسلام در حماسه‌ها فقط به جهت زنده نگه داشتن تمسک به حقیقت نیست.

مسلمانان از طریق حماسه‌ها یاد می‌گیرند که چه جنگ‌هایی توسط دین ممنوع شده است، هدف از جنگ چیست، با چه کسانی باید جنگید و چگونه با افرادی که خود را تسلیم می‌کنند باید رفتار کرد. هم‌چنین در آن حماسه‌ها با فنون جنگی دشمن و حیل‌هایشان آشنا می‌شوند. هدف اصلی از جنگ در اسلام، دفاع از دولت و یا حکومت نیست بلکه در حقیقت برای مقابله با نابودی و ظلم به مردم است.

مردم باید با ظالم مبارزه کنند، خواه این فرد از نظام‌های اسلامی باشد، خواه غیراسلامی و این هدف به صورت خوبی در حماسه‌ها بیان شده است؛ مانند: حکایات «سیدنا حسین»، حکایت «امیر حمزه»، حکایات «اسکندر ذوالقرنین» و حکایات «محمد علی حنفیه». نکته این است که این حماسه‌ها به هیچ وجه روحیه‌ی میهن پرستی را چون حماسه‌های یونانی بیان نمی‌کند.

انسان برای تأمل و اندیشه در حماسه‌ها به نحوی که از آن به نتیجه‌ای برسد_ احتیاجی ندارد تا تفکر کیسانی را بپذیرد و یا دیدگاهی از آن را برگزیند، بلکه آن را به گونه‌ی دیگری مطالعه می‌کند. و آن، نمایش ساختار تاریخی این حماسه‌ها است که در سراسر اندونزی منتشر شده است.

در نهایت باید گفت که حماسه‌ها با دیگر حماسه‌های اسلامی مشابه است، مخصوصاً با حکایات «امیر حمزه» و «اسکندر ذوالقرنین» که در مجمع الجزایر اندونزی بین قرن‌های ۱۴ و ۱۵ م ظاهر شده بودند. آن هم در زمانی که اسلام در آن جا گسترش یافته بود. در این برهه از زمان، مسلمانان با مشکلات زیادی چون مشکلات سیاسی و فرهنگی مواجه بودند.

از جانب فرهنگی، اعیاد و مراسم دینی هم چنان مردم جامعه آن را برگزار می‌کردند، مانند: «گریک مولود»، «سکاتن» و «عاشورا» از اولین آثاری بود که علمای دینی آن را در ابتدای حکومت «دیماک» در قرن ۱۶ میلادی ارائه دادند. این اعیاد و مراسم با توجه به خط مشی‌هایی که آثار عربی و فارسی نشان می‌دادند، برگزار می‌شد. مخصوصاً مراسم عاشورا. ولی مردم هر منطقه به آن رنگ و روی محلی می‌دادند.

منابع مالایی بیان می‌کنند که این برنامه‌ها مخصوص مسلمانان بوده است تا از آن برای برگزاری مجالس و قرائت ادبیات استفاده نمایند. بیش‌ترین متون دینی که در آن جا خوانده می‌شد عبارت بود از قصیده‌ی «سلوک» که از قصائد مربوط به صوفیان می‌باشد. قصه‌های عاشقانه، حکایت‌های مردمی و حماسه‌های جنگی در آن زمان بر همین منوال، در سجارا مالایو خوانده می‌شد نبرد بین فرشتگان و ارتش اشغال‌گر پرتغالی که مردم در آن مراسم برای پیروزی فرشتگان دعا می‌کردند. شیوه‌ی برگزاری حماسه‌های مردمی به این ترتیب بود:

شب هنگام وقتی که ملائکه‌ی جنگ در داخل کشتی جنگی خود استراحت می‌کردند، از فردی می‌خواستند که یک نوحه و یا حماسه‌ای را بخواند تا روحیه‌ی خود را حفظ کنند. از جمله بهترین حماسه‌هایی که خوانده می‌شد همان حکایت محمدبن حنفیه است. حماسه‌ها از جهات بسیاری مهم بودند، تأثیرات عاطفی بسیاری داشتند و باعث بالا رفتن سطح ارزش‌های فرهنگی و فهم سیاسی می‌شد.

مطالعات دقیق در مراحل پیش رفت ادب کلاسیک و محلی اندونزی نشان می‌دهد که بسیاری از حماسه‌ها را در ادبیات شهرهای آچه، مادورا، بوغیس و ماکاسار می‌توان یافت که همگی آن‌ها از حماسه‌های اسلامی برگرفته شده بود.

از بین حکایت‌های فراوان می‌توان به حکایت «هانگ تو اه» در ادب مالایو و حکایات «پرانگ گودنگ» در آنچه که در آن به جنگ سلطان «اسکندر مودا» در ابتدای قرن ۱۷م، هنگامی که با ارتش پرتغال می‌جنگید، اشاره کرد و از آن سو ارتش پرتغالی در صدد استیلا بر کانال مالاکا بود.

این دوران شگرفی بود که اهمیت بسیاری به حماسه‌ها داد که دلیل آن، زمان جنگ‌های استعماری بین قرن‌های ۱۷ و ۱۹م است. رهبران جنگ‌ها بیش‌تر از شخصیت‌های بارز در میان فرهنگ اسلامی بودند و القابی چون: شاه، ملکه، فرمانده، استاد صوفیه، پادشاه، علما و غیره داشتند. بیشتر این فرماندهان از حماسه سرایان و حامیان آن بودند.

از بهترین مثال‌ها می‌توان به امیر «ترو نو جو یو» (Trunojoyo)، رهبر جنگ با هواپیماهای جنگی، و شریکانش در اواخر قرن ۱۷م، هم‌چنین امیر «دیونیغور» و رهبر جنگ جاوا (۱۸۳۰ تا ۱۸۲۵) اشاره کرد.

شب هنگام و در حالی که خود را برای جنگ‌های روز بعد آماده می‌کردند، حماسه‌های مشهور به نام این فرماندهان و سربازان خوانده می‌شد. بنابراین، توجه به حماسه‌ها بیشتر و بیشتر می‌شد و انتشار آن رو به فزونی می‌یافت. (Ricklefs ۱۹۸۲).

در زمان جنگ آنچه که ۴ دهه طول کشید تا انتهای قرن ۱۹ میلادی، مراسم خواندن حماسه‌ها در شام گاه برگزار می‌شد.

حماسه‌های یاد شده، الهام بخش شاعر معروف اواخر قرن ۱۹ میلادی به نام «ای دی کیک» شد و او حکایات مشهور دیگری با عنوان «پرانگ سبیل» نوشت. خواندن حماسه‌های این شاعر و دیگر حماسه‌ها، روحیه‌ی جنگی را میان مبارزان آنچه زنده کرد؛ زیرا پیش از این و در انتهای قرن ۱۹م تضعیف شده بود.

واقعیت این است که اوصاف حکایات امام حسین علیه السلام در آنچه‌ی اندونزی زمینه ساز اصلی به وجود آمدن روز حسن و حسین یا روز عاشورا «هاری حسن حسین» یا «عاشورا هاری» و حرکات موزون محلی بود که سوداتی خوانده می‌شد.^۱

مجریان سیوداتی شیپورها را می‌نوازند تا به وصف ماجرای امام حسین علیه السلام، زمانی که شهربانو و خانواده‌اش گریه می‌کنند و بر سینه‌هایشان می‌کوبند، بپردازند زیرا آن‌ها خبر شهادت امام حسین علیه السلام را توسط لشکریان یزید بن معاویه شنیدند.

شایان ذکر است که این مجالس را مجالس «تذکیه» نام نهاده‌اند.

^۱. این حرکات شبیه سینه زدن بوده و برگرفته از آن می‌باشد.